

# دکتر اسدالله آزاد

## استادی که ذکات علمش را بیشتر با قلم پرداخت

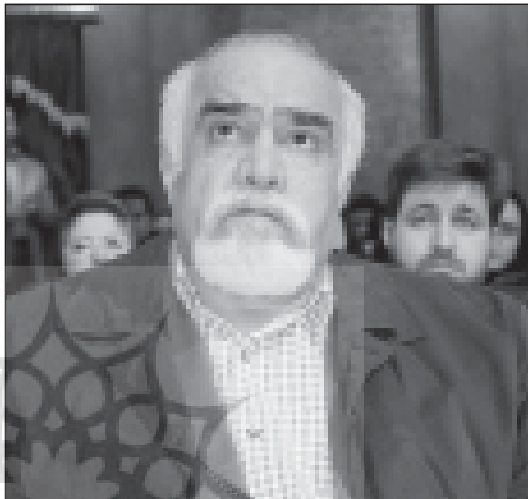
■ دکتر محمد حسین دینی

عضو هیئت علمی گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی مشهد

را مانع انحطاط و گسست زمانی موسیقی ایرانی در آن دوران می‌دانند، مدعی هستیم که دکتر آزاد با ماندن در رشته کتابداری و نشر مقاله و کتاب‌های مناسب در زمان مناسب، مانع انحطاط و گسست در دانش و حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران شد. افزون بر این، او با الگو قرار دادن خود و نیز با ترغیب دیگران، آن‌گونه که در فراز بعدی آمده است، انگیزه و زمینه مناسب برای نوشتن در این حوزه را تقویت کرد.

### دو رویداد حساس و سرنوشت‌ساز

۱. در مطالعات علوم اجتماعی و به‌ویژه در حوزه مدیریت، پژوهش‌هایی وجود دارد که رویدادهای حساس<sup>۱</sup> را مورد بررسی قرار می‌دهند. هدف کلی این نوع تحقیقات این است که مشخص سازند، مثلاً کدام تصمیم و در چه شرایطی موجب شده است که بر سرنوشت سازمان یا کشور یا رشته تأثیر تعیین‌کننده داشته باشد. مقصود از تأثیر تعیین‌کننده، پیامدهای مثبت یا منفی است که سازمان، کشور یا رشته را دستخوش تغییر اساسی کرده است. در این سخن تنها به دو تصمیم از این نوع تصمیمات دکتر آزاد را که هر دو آنها با نویسنده این سطور در ارتباط بوده است توجه می‌کنم، با این هدف که شخصیت ممتاز دکتر آزاد را در مقایسه با بسیار دیگرانی که می‌شناسیم، نشان دهم. در سال ۱۳۶۷ که در دانشگاه شهید چمران اهواز به کار اشتغال داشتم، کتاب «مبانی مرجع» را با مثال‌های فارسی یا ایرانی شده ترجمه کرده و برای نشر در آستان قدس رضوی ارسال داشتم. آقای دکتر آزاد ابتدا به عنوان داور و سپس به عنوان ویراستار کتاب در نظر گرفته شد. آشکار بود که اولین تجربه من در ترجمه متنی کامل، برای مترجم توانائی چون دکتر آزاد ملول از ایراد و اشکال باشد. در چنین شرایطی، موارد زیر محتمل بود، ترجمه نامناسب است و ارزش چاپ شدن ندارد؛ ویراستار به‌جای مقابله متن ترجمه با متن اصلی که وقت زیادی می‌طلبد، خود ترجمه مناسب‌تری از متن را ارائه دهد؛ ویراستار همچون معلمی دلسوز صبورانه پا به پای شاگرد پیش رود و نکات بهبود بخش را به شاگرد نشان دهد. دکتر آزاد نه تنها روش سوم را برگزید، بلکه خود نیز از همه دانش خود استفاده کرد و برای افزایش کیفیت کل اثر ۶۴ صفحه به عنوان دیباچه به متن ترجمه شده افزود و بر اهمیت نشر کتاب برای حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی تأکید کرد. این کتاب در سال ۱۳۷۰ منتشر شد، تاکنون سه بار تجدید چاپ و یک‌بار ویرایش شده است و تقریباً در همه گروه‌های کتابداری ایران به عنوان کتاب درسی برای درس اصول کار مرجع مورد استفاده قرار گرفته است.<sup>۲</sup> نام دکتر آزاد به عنوان ویراستار بر روی این کتاب نه تنها بر ارزش کتاب افزود، بلکه در آن شرایط که هنوز ناشناخته بودم، بر رفتارهای نگارشی و انتشاراتی من تأثیر تعیین‌کننده داشت



**بسیاری صدای محمدرضا شجریان را مانع انحطاط و گسست زمانی موسیقی ایرانی در آن دوران می‌دانند، مدعی هستیم که دکتر آزاد با ماندن در رشته کتابداری و نشر مقاله و کتاب‌های مناسب، در زمان مناسب، مانع انحطاط و گسست در دانش و حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران شد**

در زندگی‌نامه‌اش می‌خوانی که کارِ تدریس را در سال ۱۳۴۹ آغاز کرد، در سال ۱۳۵۷ دو ترم در دوره کارشناسی ارشد تدریس کرد و در سال ۱۳۷۰ به گروه کتابداری دانشگاه فردوسی مشهد پیوست. سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰، سال‌های سرنوشت‌ساز برای دکتر آزاد و برای رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی بود. زیرا در این سال‌ها او فرصت یافت تا با انتشار منابع علمی کتابداری و غیر کتابداری، در دانش‌گستری به جامعه‌ای که می‌توانست فارسی بخواند، بپردازد. دکتر آزاد در این سال‌ها ۱۰ کتاب و ۱۵ مقاله تألیف، ترجمه و منتشر کرد. از دکتر آزاد، ۲۲ کتاب و ۶۶ مقاله نشر یافته و ۸ کتاب و ۱۹ مقاله نشر نیافته برجای مانده است، اما براین باورم که ظنین شخصیت ممتاز ایشان در کتاب‌ها و مقالاتی که در سال‌های بین ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰ منتشر شده، بسیار راسخ است. زیرا در این سال‌های بحرانی، او مانند افراد بسیاری که به دلیل محدودیت عمل در رشته خود به رشته‌های دیگر، به‌ویژه به رشته‌های بازاری، روی آوردند، از کتابداری فاصله نگرفت. بلکه با تمام وجود خود را وقف ترجمه و تألیف در رشته کتابداری و رشته‌های سودمندی دیگری کرد که مورد علاقه‌اش بودند. یادآور می‌شوم که در آن سال‌ها تعداد اندکی از کتابداران، دست به قلم داشتند و تعداد بسیار اندکی از آنها در عمل، قلم خود را برای نگارش مطالب علمی در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی بر روی کاغذ می‌آوردند. در همین سال‌ها نیز یا گروه‌های کتابداری تعطیل شده بودند و یا در آموزش‌های خود به دوره کاردانی و کارشناسی محدود شده بودند. در چنان شرایطی صدایی راسخ‌تر از صدای قلم دکتر آزاد، تازه‌ها و پیشرفت‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی جهانی را به گوشمان نمی‌رساند. بسیاری صدای محمدرضا شجریان



**بنابر باورهای  
دینی مان، هر سطر از  
نوشته‌های دکتر آزاد  
که مورد استفاده قرار  
گیرد و هر تحول  
مثبتی که به وقوع  
پیوندد، صفحه‌ای  
بر خدمات کارنامه  
دنیوی و اخروی دکتر  
آزاد افزوده خواهد  
شد**

پيامدهای دو تصميم حساسی که دکتر آزاد در باره من گرفت:  
(۱) باز شدن فضایی مناسب برای نشر ۳۵ کتاب کتابداری در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در انتشارات کتابخانه رایانه‌ای.  
(۲) امکان برقراری ارتباط با کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی و نشر مجله کتابداری و اطلاع‌رسانی و با تبدیل شدن آن به علمی - پژوهشی، بستر نشر مقالات کتابداران را فراهم آورد و از این راه مرتباً به‌ویژه در چند سال گذشته بر تعداد استادیاران؛ دانشیاران و استادان کتابداری در سراسر ایران افزوده شده است.  
(۳) امکان راه اندازی دوره کارشناسی ارشد و دوره دکتری کتابداری در دانشگاه فردوسی مشهد و در پی آن امکان راه‌اندازی دوره‌های دکتری کتابداری در دانشگاه‌های شیراز، شهید چمران اهواز و تهران.  
(۴) با افزایش فارغ التحصیلان دوره دکتری کتابداری، گروه‌های بیشتری در سراسر ایران بوجود آمدند و با سطح آموزشی خود را به سطح بالاتر یعنی کارشناسی ارشد ارتقاء دادند.  
(۵) مورد‌های ۳ و ۴ موجب افزایش مقالات بیشتر مستخرج از پایان‌نامه‌های دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا شد و این مورد امکان افزایش مجلات علمی - پژوهشی رشته را از یک مورد به ۶ مورد فراهم آورد.

بنابر باورهای دینی مان، هر سطر از نوشته‌های دکتر آزاد که مورد استفاده قرار گیرد و هر تحول مثبتی که در مواردی مشابه ۱ تا ۵، به‌وقوع پیوندد، صفحه‌ای بر خدمات کارنامه دنیوی و اخروی دکتر آزاد افزوده خواهد شد. روانش شاد باد.

#### پی‌نوشت‌ها:

1. Critical incidences
۲. جرالدها جهودا و جودیت شیک برانگل. اصول کار مرجع. ترجمه و تالیف محمد حسین دینانی؛ عبدالحمید معرف زاده. ویراسته اسدالله آزاد. ویراستار و مقدمه نویس دکتر اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی، ۱۳۷۰. دیباچه ۶۴ صفحه (این دیباچه از قابلیت نشر مستقل برخوردار است).

و سنگ بنایی شد که حاصل آن ارائه کتاب‌ها و مقالاتی است که در زمان خود گوشه‌ای از خلاءهای انتشاراتی حوزه کتابداری را پر کرد. خیال می‌کنم همین سعه صدر در ویراستاری متن بسیار دشوار قواعد فهرست‌نویسی انگلو امریکن ترجمه دکتر فتاحی نیز رخ نموده و بر رسیدن دکتر فتاحی به جایگاه فعلی نقش با اهمیتی داشته است.  
۲. رویداد حساس دوم، به تصمیم سرنوشت ساز دکتر آزاد در موافقت با انتقال من از دانشگاه شهید چمران به دانشگاه فردوسی مربوط می‌شود. در سال ۱۳۷۳-۱۳۷۴ برای بار دوم تقاضای خود را برای انتقال به دانشگاه فردوسی به دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فردوسی تقدیم کردم. در آن زمان دکتر آزاد با درجه علمی استادیاری مدیرگروه بود و من نیز با درجه استادی به مدت ۱۲ سال در دانشگاه شهید چمران مدیر گروه بودم. کسانی که با وضعیت آموزشی گروه‌های علمی ایران آشنایی دارند، به‌خوبی از مقاومت اعضای گروه‌های آموزشی در برابر ورود شخصی تازه به گروه باخبرند. این مقاومت حتی برای تازه‌واردان که اعضای گروه بالقوه آنها را خطری برای خود نمی‌دانند، کاملاً آشکار است، چه‌رسد به عضو جدیدی که در بالاترین مرتبه دانشگاهی قرار دارد و با پتانسیل‌های ذاتی و عرضی خود نه تنها بالقوه، بلکه بالفعل ممکن است به‌زودی جایگزین اعضای گروه در بسیاری از مسئولیت‌ها خواهد شد. با نگاهی به همه گروه‌های کتابداری ایران پیامد این نوع مقاومت‌ها را می‌توان شاهد بود. کم نیستند گروه‌های قدیمی که اعضای آنها به مرحله بازنشستگی رسیده‌اند، اما نیروی جوانی را در استخدام ندارند و یا گروه‌های جوانی که راه ورود به گروه را برای جوانان دیگر بسته‌اند. اهمیت تصمیم دکتر آزاد در قالب چنین فرهنگی قابل ارزشیابی است. نکته قابل توجه دیگر اینکه با ورود به گروه مشهد، دکتر آزاد تدریس درس دو واحد مبانی مرجع دوره کارشناسی را که خود تدریس می‌کرد، به اینجانب واگذار کرد، تنها درسی که در دوره کارشناسی از سال ۱۳۷۴ تا کنون کماکان آنرا تدریس می‌کنم؛ مورد اخیر نیز جلوه‌ای از حاکمیت همان فرهنگ است.